

ای عزیز پارسی هرچند الآن بهیچ وجه تحریر نتوانم و فرصت ندارم مع ذلک

مختصر جواب

حضرت عبدالهء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالهء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۵۵۶

طهران

جناب رشید جمشید پارسی علیه بهاء الله الاهی
بواسطه جناب حاجی آقا محمد علاقه بند

هو الله

ای عزیز پارسی هرچند الآن بهیچ وجه تحریر نتوانم و فرصت ندارم مع ذلک مختصر جواب مرقوم میگردد تا بدانی که در این بساط چه قدر عزیزی و در نزد عبدالهء چگونه بمقبول درگاه کبریا معروف

از فقرهئی که در کتاب اوستا مندرج سؤال نموده بودی پس بدان که مقصد از عبارت اینست که بارخدا خداوند عالم را همه انجن را شاه بهرام ورجاوند را دستور پوشوتن را پیغمبر اشیدر را اشیدر ما را اشیدر بومی را سیوشانس را کیخسرو پادشاه را دین زردشتی را آفرین و ستایش و نیایش باد و صون و عون و عنایت از آنان طلبیم و تندرستی جوئیم زیرا در لسان فارسی کلمه را اداة تخصیص است و این یک معنی از معانی راست و معانی دیگر نیز دارد

اما از علم نجوم مرقوم نموده بودید آنچه منجمین را الیوم تصور است یعنی استنباط اخبار آتیه از اوضاع نجوم اوهام محتوم است ولی قواعد نجوم موجوده از سایر جهات مضبوط است نه استنباط اخبار آتیه اما حقیقت حال اینست که در این فضای نامتناهی جمیع اجسام نورانیه حتی جزئیات کونیه مانند اعضاء و اجزای هیکل انسان با یکدیگر مرتبط است و تعلق تام دارد یعنی هیکل عظیم عالم را بهیکل صغیر انسان قیاس نمائید چگونه اعضاء و اجزای کلیه و جزئیة انسان با یکدیگر مرتبط و متعلق است بهمچنین در ارکان و اعضاء کائنات این حقیقت و ارتباط واقع است مختصر ذکر شد

و اما قضیه اجنه و غول و آل آنچه در کتب آسمانی نازل معنی دارد و آنچه در افواه عوام جمیع اوهام محض است مراد از اجنه نفوس خفیه است که ایمان و یا انکارشان ظاهر و مشهود نیست حضرت اعلی میفرمایند الجن من استجن فیه نار



ORIGINAL

النّفى و اما غول و آل مقصد از آن مظاهر غفلت و ضلال است و آنچه حکایات و روایات که در این خصوص میشنوید
جمع معانی دارد ولی آنچه عوام میگویند یا مشاهده مینمایند ایضاً اوهام است و شاید در نظرشان مجسم میگردد

اما از مسئله ذبح حیوانات سؤال نموده بودید چون جماد از عالم جمادی فانی شود بعالم نباتی آید پس ترقّی کند و چون
نبات از عالم نباتی فانی گردد ترقّی نماید بعالم حیوانی درآید و چون از عالم حیوانی فانی شود بعالم انسانی آید ترقّی کند مبنی
بر این حکمت است که خوردن گوشت مباح گردیده با وجود این شفقت و مرحمت انسان چندان خوشنود از ذبح
حیوان نیست ولی این نظر برحم و مروت است نه حکم الهی حکم الهی همانست که در کتاب مخصوص است باختصار
مرقوم شد از عدم فرصت معذور دارید

یار باوفا جناب حاجی آقا محمد را بنهایت اشتیاق تحیت ابدع ایهی ابلاغ دارید و علیک البهاء الأبهی ع ع